

بررسی قدرت مدنی ترکیه در آفریقا

دکتر هادی سلیمان پور^۱ / طلیعه احمدی^۲

^۱. دانشیار دانشکده روابط بین الملل و مسئول مکاتبات hadi.soleimanpour@gmail.com

^۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای talieh.ahmadi.1990@gmail.com

تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۱۰

چکیده

با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، سیاست خارجی ترکیه شکل جدیدی به خود گرفت. به طوری که قدرت نرم در نگاه سیاست‌گذاران این کشور، از جمله داووداوغلو از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد. در همین راستا و با پیشرفت‌های اقتصادی ترکیه، اعطای کمک‌های توسعه‌ای و بشردوستانه به بخش مهمی از اعمال نفوذ این کشور در جهان تبدیل شد. ضمن اینکه نباید از نقش‌آفرینی جامعه مدنی ترکیه که از زمان روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه بیش از پیش قدرت یافت، غافل شد. بر همین اساس، این مقاله به دنبال تبیین سیاست خارجی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه، براساس نظریه هانس مائول که بر مفهوم نقش سیاست خارجی مدنی تمرکز دارد، است و به بررسی ابزارها، اهداف و چگونگی اعمال قدرت مدنی ترکیه در آفریقا می‌پردازد. سوال اصلی مقاله پیش رو این است که چه عناصری تشکیل دهنده قدرت مدنی ترکیه در آفریقا هستند؟ فرضیه این است که ایجاد جامعه دموکراتیک همراه با رفاه اقتصادی در داخل و ارائه آن به عنوان یک الگو در کشورهای آفریقایی، در پیش گرفتن سیاست‌های چندجانبه‌گرایانه و همکاری‌جویانه در عرصه بین‌الملل و استفاده از ابزارهای اقتصادی، دیپلماتیک، فرهنگی و مذهبی قدرت مدنی ترکیه در آفریقا را شکل می‌دهند.

▪ واژگان کلیدی

سیاست خارجی ترکیه، حزب عدالت و توسعه، قدرت مدنی، نقش سیاست خارجی مدنی.

مقدمه

فروپاشی شوروی آغاز تحولات جدی در عرصه بین‌الملل و از جمله در سیاست خارجی دولت‌های مختلف بوده است. در این بین، ترکیه به دلیل نگرانی از اشاعه تفکرات کمونیستی سیاست خارجی امنیتی را دنبال می‌کرد و عمده نگاهش به همسایگان بر همین اساس شکل گرفته بود و عضویت در ناتو برای حفاظت از خود در برابر دشمنان و بخصوص شوروی را یک اولویت می‌دانست. اما با فروپاشی شوروی، رویکرد ترکیه در سیاست خارجی تغییر یافت و این کشور فرصت پیدا کرد تا از دریچه دیگری به روابط بین‌الملل و بخصوص پیرامون خود بنگرد.

روند تغییرات با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و در چارچوب نظریه داووداغلو شکل جدیدی به خود گرفت، به گونه‌ای که قدرت نرم در آن از جایگاه بالاتری برخوردار شد. براساس نظریه داووداغلو تکیه سیاست خارجی باید بر روی ابزارهای نرم اعمال قدرت باشد. از این منظر، سیستم سیاسی ترکیه به‌عنوان یک الگو برای سایر کشورها معرفی شد. همچنین، با پیشرفت‌های اقتصادی ترکیه، اعطای کمک‌های توسعه‌ای و بشردوستانه به بخش مهمی از ابزار نفوذ ترکیه در جهان تبدیل شد. ضمن اینکه نباید از نقش آفرینی جامعه مدنی این کشور که از زمان روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه بیش از پیش قدرت گرفت، غافل شد.

بر همین اساس، مقاله حاضر به دنبال این است که مجموع تحولات صورت گرفته در سیاست خارجی ترکیه را براساس نظریات مبتنی بر نقش، به طور خاص نظریه هانس مائول که بر مفهوم نقش سیاست خارجی مدنی تمرکز دارد تبیین کرده و به بررسی ابزارها، اهداف و چگونگی اعمال قدرت مدنی ترکیه در آفریقا بپردازد. سوال اصلی مقاله پیش رو این است که چه عواملی شکل‌دهنده قدرت مدنی ترکیه در آفریقا هستند؟ فرضیه ما این است که ایجاد جامعه دموکراتیک همراه با رفاه اقتصادی در داخل و ارائه

آن به عنوان یک الگو در کشورهای آفریقایی، در پیش گرفتن سیاست‌های چند جانبه‌گرایانه و همکاری‌جویانه در عرصه بین‌الملل و استفاده از ابزارهای اقتصادی، دیپلماتیک، فرهنگی و مذهبی قدرت مدنی ترکیه در آفریقا را شکل می‌دهند. لذا، در ابتدا تعاریف مختلف در حوزه قدرت مدنی ارائه گردیده و یک نظریه به عنوان نظریه پایه انتخاب می‌شود. سپس به جایگاه قدرت مدنی در سیاست خارجی ترکیه پرداخته خواهد شد و در نهایت قدرت مدنی ترکیه در قاره آفریقا مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

چارچوب نظری

مفهوم قدرت مدنی اولین بار توسط فرانسوا دوشین^۱ و در ابتدای دهه ۱۹۷۰ و با اشاره به نقش جامعه اقتصادی اروپا در سال‌های جنگ سرد طرح شد. دوشین برآن بود از آنجا که جامعه اروپایی گروهی مدنی از کشورهایی است که مبتنی بر قدرت اقتصادی و به میزان اندک مبتنی بر قدرت نظامی عمل می‌کند، تنها در صورتی می‌تواند بسیاری از فرصت‌ها را در عرصه بین‌الملل برای خود ایجاد کند که به ویژگی‌های درونی خود که عبارتند از اهداف و ابزارهای مدنی پایبند بماند (Oguz Gok and Parlar, 2016:70).

در واقع، دوشین جامعه اقتصادی اروپا را به‌عنوان یک بازیگر بین‌المللی متمایز از دو ابرقدرت آن زمان می‌دید و مفهوم قدرت مدنی را در توصیف موقعیت منحصر به فرد آن در جهان به کار برد. وی برآن بود که جامعه اقتصادی اروپا باید به یک الگو از مرحله جدید مدنیت سیاسی تبدیل شود (Ozer, 2012: 65). بنابراین، دوشین با اطلاق مفهوم قدرت مدنی به جامعه اقتصادی اروپا به دنبال معرفی بازیگری بود که می‌تواند بر دیگر بازیگران بین‌المللی از طریق ابزارهای غیرنظامی مانند تجارت و دیپلماسی نفوذ داشته باشد (Ozer, 2012:66).

¹François Duchêne

یکی دیگر از صاحب‌نظران حوزه قدرت مدنی، کارن اسمیت^۱، بر آن است که باید بین اعمال قدرت مدنی (exercising civilian power) و قدرت مدنی بودن (being a civilian power) تمایز قائل شد. مفهوم اول با ابزارهایی در ارتباط است که یک بازیگر برای اعمال نفوذ خود از آنها استفاده می‌کند. اساساً بین ابزارهای مدنی و ابزارهای نظامی تفاوت وجود دارد. ابزارهای مدنی شامل ابزارهای دیپلماتیک، اقتصادی و فرهنگی است، در حالی که ابزارهای نظامی شامل استفاده از زور است. اما قدرت مدنی بودن، نه تنها دربرگیرنده ابزارهایی است که بازیگران از آن استفاده می‌کنند، بلکه نتایجی که به دنبال آن هستند و همینطور شیوه‌های استفاده از آن ابزارها نیز حائز اهمیت هستند (Smith, 2005:65). بنابراین، سه مؤلفه اصلی شکل دهنده به قدرت مورد نیاز نظر اسمیت به شرح ذیل است:

۱. ابزارهای قدرت؛ ابزارهای نظامی در مقابل ابزارهای غیرنظامی: در مفهوم

قدرت مدنی تأکید بر ابزارهای غیرنظامی قدرت و سیاست سفلی است که در واقع شامل نقش دیپلماسی و همکاری و نیز تجارت، محیط زیست و همکاری‌های توسعه‌ای در سیاست خارجی می‌شود. نمونه‌های این نوع از سیاست خارجی در اتحادیه اروپا دیده می‌شود که عبارتند از: سیاست همسایگی جدید، توافقنامه تجارت ترجیحی با طرف‌های ثالث، سیستم تعمیم یافته رژیم ترجیحات، کمک‌های توسعه‌ای به کشورهای جهان سوم و گروه‌های منطقه‌ای، برقراری و حمایت از رژیم‌های بین‌المللی، کمک و نظارت بر اجرای انتخابات در کشورهای دیگر (Ozer, 2012:69).

۲. شیوه‌های اعمال قدرت؛ شیوه‌های سخت در مقابل شیوه‌های نرم: اینکه

چگونه یک بازیگر بین‌المللی ابزارهای خود را در جهت دستیابی به اهدافش بکار می‌گیرد نیز حائز اهمیت است. همانطور که کارن اسمیت بیان می‌کند، از نظر تئوریک یک بازیگر بین‌المللی که تنها از ابزارهای مدنی برخوردار است، نمی‌تواند از آنها برای نفوذ در

¹Karen Smith

دیگران استفاده کند. ابزارهای مدنی کاملاً به صورت اجبارآمیز قابل استفاده هستند. بنابراین، یک بازیگر بین‌المللی باید به چه شیوه‌ای عمل کند تا یک قدرت مدنی نام بگیرد؟ از این منظر قدرت به نرم و سخت تقسیم می‌شود. قدرت نرم نه تنها شامل قدرت جذب برای نفوذ پنهان بر دیگران، بلکه قدرت ترغیب و تشویق نیز هست. در حالی که قدرت سخت صرفاً بکارگیری زور و اجبار است. از این منظر، یک بازیگر بین‌المللی می‌تواند بازیگر دیگر را مجبور به انجام کاری با استفاده از تهدید و حتی اعمال مجازات کند و یا می‌تواند بر تصمیمات بازیگر دیگر با استفاده از ترغیب و از طریق نفوذ پنهان تأثیر بگذارد (Ozer, 2012:71).

۳. قدرت مدنی و اهداف هنجاری: در نظر اسمیت، اهدافی که بازیگران مدنی دنبال می‌کنند نیز مهم هستند و این همان بخشی است که در تعریف دوشین از قدرت مدنی مورد غفلت قرار گرفته و باعث انتقاد بر دیدگاه وی شده است. از نظر اسمیت اهداف مدنی یک قدرت مدنی شامل صلح و همکاری‌های بین‌المللی، حکومت قانون در روابط بین‌الملل، دموکراسی، حقوق بشر، حفظ محیط زیست و نشر برابری، عدالت و تساهل هستند. این تعریف با این نظر آرنولد وولفرز که اهداف محیطی را در مقابل اهداف تملیکی قرار می‌دهد مطابقت دارد. اهداف تملیکی از منافع ملی حمایت می‌کند در حالی که اهداف محیطی به دنبال شکل دادن به شرایط محیطی و رای مرزهای ملی هستند. این‌ها اهدافی هستند که فراتر از منافع ملی پیش رفته و به طور گسترده‌ای به اشتراک گذاشته می‌شوند (Ozer, 2012:74).

اما از میان تعاریف مطرح در حوزه قدرت مدنی، تعریف هانس مائول^۱ ذیل تئوری نقش‌ها و در قالب مفهوم «نقش سیاست خارجی مدنی»^۲ به نظر می‌رسد به نوعی جامع‌تر بوده و دربرگیرنده عناصر و مؤلفه‌های مطرح شده توسط سایر صاحب نظران است. براین اساس تلاش می‌شود در این مقاله سیاست خارجی ترکیه در آفریقا براساس

¹Hanns Maull

²Civilian Foreign Policy Role

تعریف هانس مائول از قدرت مدنی، تحلیل و بررسی شود. هانس مائول در مقاله خود در سال ۱۹۹۹ تحت عنوان "آلمان و ژاپن: قدرت‌های مدنی جدید"^۱، که در فارین افرز منتشر شد، اولین شخصی بود که مفهوم قدرت مدنی را از طریق اطلاق آن به آلمان و ژاپن بازتفسیر کرد. او قدرت مدنی را دولت و یا یک نهاد سیاسی می‌داند که مایل است ابتکارات را به دست بگیرد و بر وقایع اعمال نفوذ داشته باشد و از استراتژی‌ها و ابزارهای به خصوصی برای دستیابی به اهداف خود استفاده کند.

سه ویژگی اصلی قدرت‌های مدنی از دیدگاه هانس مائول عبارتند از: ۱. پذیرش لزوم همکاری با دیگران در تعقیب اهداف بین‌المللی؛ ۲. تمرکز بر ابزارهای غیرنظامی، در وهله اول ابزارهای اقتصادی، برای تضمین اهداف ملی، در کنار قدرت نظامی به عنوان ابزاری که به طور عمده برای حفاظت از ابزارهای دیگر تعاملات بین‌المللی عمل می‌کند؛ ۳. تمایل به توسعه ساختارهای فراملی برای پرداختن به موضوعات اساسی مدیریت بین‌الملل (Oguz Gok and Parlar, 2016:71).

درواقع، هانس مائول مفهوم "نقش سیاست خارجی مدنی" را به منظور بکار بردن قدرت مدنی در تحلیل سیاست خارجی، در مقایسه با دیگر مفاهیم نقشی مانند قدرت بزرگ، قدرت متوسط، قدرت نظامی و قدرت منطقه ای طرح کرده و برای آن سه پیش شرط را در نظر می‌گیرد:

۱. پیش شرط دموکراتیک و اقتصادی داخلی: براساس این پیش شرط، مفهوم نقش سیاست خارجی مدنی با یک رشته پیش نیازهای داخلی پیوند می‌خورد. لذا، دموکراسی پیش نیاز داخلی اصلی مفهوم نقش مدنی و رفاه مادی عامل اصلی ثبات نظم دموکراتیک داخلی است.

^۱"Germany and Japan: The New Civilian Powers"

۲. پیش‌شرط تعهدات هنجاری: پیش‌شرط دوم شامل تعهد به اصل چند جانبه‌گرایی، همگرایی فراملی، همکاری‌های دیپلماتیک، حاکمیت قانون، نشر برابری، عدالت، توسعه، دموکراسی و منع استفاده از زور در سیاست بین‌الملل است.

۳. پیش‌شرط ابزارهای قدرت: پیش‌شرط سوم شامل استفاده از ابزارهای غیرنظامی، اقتصادی و دیپلماتیک مانند میانجی‌گری در حل منازعات، کمک‌های بشردوستانه، ترویج دموکراسی و همکاری‌های توسعه‌ای است (Oguz Gok and Parlar, 2016:71)

بنابراین، هانس مائول مبتنی بر نظریه نقش، مفهوم قدرت مدنی را با ارائه و تبیین عناصر کلیدی آن پالایش نمود. بر این اساس، یک بازیگر سیاسی را در صورتی می‌توان ذیل مفهوم قدرت مدنی تعریف کرد که به طور عمده ابزارهای غیرنظامی به ویژه اقتصادی را در سیاست خارجی بکار گیرد و برای مدیریت مسائل بین‌المللی با دیگر کشورها از طریق نهادهای چندجانبه همکاری کند (دهقانی فیروزآبادی و شیرغلامی، ۱۳۹۳:۵).

سیاست خارجی ترکیه و قدرت مدنی

دهه ۱۹۸۰ با تحولات جدی در سیاست خارجی ترکیه همراه بود که عمدتاً منجر به توجه این کشور به برقراری روابط با بازیگران مختلف در سطح منطقه‌ای و جهانی، در ورای روابط سنتی خود با کشورهای غربی و بخصوص اروپایی شد. اوند ریشه این تحول را تغییر در ساختار امنیتی جهان پس از جنگ سرد و دوره انتقالی نظام بین‌الملل، اجرای اصلاحات نئولیبرال در اقتصاد ترکیه و وجود جریان قدرتمند ملی‌مردمی علاقه‌مند و حامی اصلاحات و نیز توجه به منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه می‌داند. وی معتقد است پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ ساختار امنیتی جهان را کاملاً تغییر داد. در هم شکستن پوسته امنیتی جنگ سرد مقامات ترکیه را واداشت که جایگاه ترکیه در نظم جدید جهانی را مجدداً ارزیابی کنند (Onder, 2008:89).

به عبارت دیگر، پایان جنگ سرد نگاه امنیتی حاکم بر سیاست خارجی ترکیه که ناشی از ترس از اشاعه کمونیسم بود را در هم شکست و این فرصت را برای ترکیه به وجود آورد که به تلاش برای گسترش روابط خود با همسایگان و سایر مناطق بپردازد، در حالی که تکیه بیشتر این سیاست خارجی بر روابط اقتصادی و فرهنگی بود و نه نظامی و امنیتی. در این رابطه داوود اوغلو در کتاب خود عنوان می‌کند "امروزه نه فشار عضویت در یکی از مجموعه‌های استعماری وجود دارد و نه خطوط جداکننده با ماهیت ایدئولوژیک دارای ویژگی تعیین‌کننده‌ای هستند که ساختار دو قطبی در دوره جنگ سرد به همراه آورده بود. در این دوره که روابط مبتنی بر وابستگی متقابل تنوع پیچیده‌ای را ارائه نموده است، کشورهایی که متنوع‌ترین و گسترده‌ترین شبکه ارتباطی ممکن را با متناسب‌ترین و عمیق‌ترین هماهنگی ممکن به یک سیاست خارجی تبدیل سازند، در تقسیم قدرت مجموعه شرایط بین‌المللی به برتری دست می‌یابند. در مقابل، کشورهایی که با تفکرات ثابت دوره‌های گذشته سیاست‌های تک‌بعدی و یک‌سطحی را توسعه داده باشند، در نتیجه از دست دادن قدرت و برتری نفوذ خود، در موازنه‌های داخل بلوک و داخل قاره به جایگاه کشوری منفعل تنزل می‌یابند" (داوود اوغلو، ۱۳۹۱: ۲۰۳).

اوندر همچنین اضافه می‌کند که در دهه ۱۹۸۰، از طریق یک رشته اصلاحات نئولیبرال پذیرفته شده توسط دولت، اقتصاد سیاسی ترکیه به طور اساسی از یک مدل درون‌گرا و دولت‌محور به یک اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد که با سرمایه‌داری جهانی در ارتباط نزدیک است، تبدیل شد. بخش مهم این تحول شامل کناره‌گیری دولت از فعالیت‌های تولیدی و بازتعریف نقش اولیه آن به عنوان حامی انباشت سرمایه بخش خصوصی و تسهیل‌کننده سازوکار بازار آزاد بود. این فرآیند مستلزم حذف یا محدود کردن بخشی از فعالیت‌ها و ظرفیت نهادهای اقتصادی دولت و استقلال آن‌ها است که دولت را قادر به شکل دادن و دنبال کردن یک پروژه اقتصادی جایگزین می‌کند. همچنین، پذیرش تعهدات مربوط به مقررات‌زدایی و آزادسازی اقتصادی توسط دولت ترکیه تحت

موافقتنامه‌های اقتصادی بین‌المللی به باز شدن قفل اصلاحات اقتصادی در این کشور کمک کرد. مجموع این اصلاحات اقتصادی داخلی و خارجی به جهانی‌شدن اقتصاد ترکیه کمک کرد و این جهانی‌شدن شکل نئولیبرال به خود گرفت (Onder, 2008: 89)

در این میان، مهم‌ترین نقطه عطف برای سیاست داخلی و خارجی ترکیه روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ابتدای قرن بیست و یکم بود. سیاست خارجی ترکیه تغییر و تحولات وسیعی از سال ۲۰۰۲ و روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه به خود دیده است.

سیاست خارجی ترکیه در این دوره این کشور را به یک بازیگر قوی منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل کرد. بدین ترتیب، ترکیه در فرآیند تبدیل شدن به یک بازیگر جهانی براساس دموکراسی، موقعیت جغرافیایی و اهداف آینده خود قرار گرفت. از این منظر، سیاست خارجی ترکیه شروع به تحرکات جدید در خاورمیانه، بالکان، آسیای مرکزی، قفقاز و آفریقا کرد (Turkmen, 2012).

همزمان، مقامات ترکیه درصدد برآمدند تا در قالب برنامه‌ای منسجم و بلندمدت به بازتعریف جایگاه این کشور در نظام بین‌الملل و در سطح منطقه بپردازند. در چنین محیطی نظریه عمق راهبردی داوود اوغلو متولد شد و شکل گرفت. تقریباً اتفاق نظر وجود دارد که بنیان‌های این برنامه منسجم و بلندمدت را باید در اندیشه‌های احمد داوود اوغلو وزیر امور خارجه پیشین ترکیه جستجو کرد. در حقیقت با مروری بر اندیشه‌های وی، که به‌ویژه در کتاب عمق راهبردی بازتاب یافته است، می‌توان به خطوط کلی برنامه‌ای که دولت ترکیه از سال ۲۰۰۲ تاکنون در عرصه عملی دنبال می‌کند دست یافت (عطایی، ۱۳۹۱: ص ۳۸).

دکترین داوود اوغلو تحت عنوان دکترین عمق راهبردی^۱ در کتابی به همین نام منتشر شده است. هسته اصلی این دکترین را ژئوپلیتیک تشکیل می‌دهد و مؤلفه‌های دیگری چون تأکید بر قدرت نرم، تلاش برای میانجی‌گری و حل بحران‌های منطقه‌ای و

۱. Strategic depth

بین‌المللی و اتخاذ رویکرد بردسبرد در ارتباط با دیگر کشورها آن را تکمیل می‌کنند. داوود اوغلو در کتاب مذکور معتقد است که "ترکیه به دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی خاص خود دارای عمق استراتژیک است."^۱ به همین دلیل، داوود اوغلو ترکیه را در زمره معدود کشورهایی قرار می‌دهد که آنها را قدرت‌های مرکزی^۱ می‌نامد. او معتقد است که ترکیه نباید خود را محدود به نقش منطقه‌ای در بالکان یا خاورمیانه کند؛ چرا که کشوری مرکزی است و نه منطقه‌ای. بنابراین، باید نقش رهبری را در چندین منطقه ایفا کند؛ و این چیزی است که به این کشور در نظام بین‌الملل اهمیت استراتژیک میدهد. همچنین وی بر استفاده از ابزارهای نرم و لزوم ورود جامعه مدنی، دانشگاهیان و عموم مردم در سیاست خارجی ترکیه تأکید می‌کند.

مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده دکترین عمق استراتژیک داوود اوغلو به خوبی نشان‌دهنده اهمیت قدرت نرم و ابزارهای قدرت مدنی در سیاست خارجی ترکیه است. این مؤلفه‌ها را می‌توان چنین ذکر کرد:

(۱) ترکیه باید نقش پررنگ، فعال^۲ و متناسب با تاریخ پرشکوه گذشته و عمق جغرافیایی خود ایفا کند؛ (۲) برای اجرای بهتر آن می‌بایست بر روی قدرت نرم خود سرمایه‌گذاری کند. چرا که به نظر داوود اوغلو ترکیه با همه مناطق ذکرشده دارای روابط تاریخی و فرهنگی است؛ (۳) نهادهای سیاسی داخلی این کشور می‌توانند الگویی برای کشورهای این مناطق باشند؛ (۴) اقتصاد آن بازوی قدرتمندی برای پشتیبانی از این روابط است؛ (۵) باید در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نقش مهمی را ایفا کند؛ (۶) با همکاری اقتصادی، سیاسی و امنیتی با کشورهای مناطق پیرامون، نیاز به مداخله قدرتهای خارجی را از بین ببرد و (۷) به جای التماس و صرف هزینه‌های گزاف برای پیوستن به اتحادیه اروپا، باید روی مناطق دیگر سرمایه‌گذاری کند، مخصوصاً کشورهایی که زمانی بخشی از امپراطوری عثمانی بوده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۹۲: ص ۴).

1. Central Powers

2. proactive

بنابراین، سیاست خارجی ترکیه به‌خصوص در دهه گذشته نشان‌دهنده تلاش برای تبدیل شدن به یک بازیگر منطقه‌ای و بین‌المللی از طریق ابزارهای غیرنظامی است. برای تشریح بیشتر این موضوع تلاش می‌شود سیاست خارجی ترکیه در چارچوب مورد نظر هانس مائول، که در بخش قبلی به آن پرداخته شد، مورد بررسی قرار گیرد. مهمترین پیش‌شرط‌های مائول در تحقق نقش سیاست خارجی مدنی به شرح ذیل هستند:

پیش‌شرط‌های داخلی: مهمترین عنصر قدرت نرم ترکیه را سیستم سیاسی مبتنی بر دموکراسی آن معرفی می‌کنند. از سال ۱۹۹۹، یعنی زمانی که ترکیه نامزد پیوستن به اتحادیه اروپا بود، این کشور مجموعه‌ای از اصلاحات را در زمینه‌هایی چون آزادی مدنی و دموکراسی با توجه به حوزه‌های موضوعی مختلف شامل نقش ارتش، مسئله گُردها و حقوق اجتماعی و مدنی اعمال کرد. البته فرآیند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا بر شیوه‌ای که براساس آن محیط دموکراتیک داخلی و آزادی‌های مدنی در این کشور را به‌وجود آورد، تأثیرگذار بود. علاوه بر این، در فضای داخلی نیز فشار طولانی‌مدت و عمیق افکار عمومی که حامی قانون اساسی مدنی و دموکراتیک در ترکیه بود غالب شد. از آغاز دهه ۲۰۰۰ رهبران ترکیه نیز تأکید ویژه‌ای بر یک نظم داخلی صلح‌آمیز و با ثبات که لازمه ایجاد یک سیاست خارجی فعال است، داشته‌اند (Oguz Gok and Parlar, 2016: 77)

ابراهیم کالین، سخنگوی ریاست جمهوری ترکیه، معتقد است مهم‌ترین عنصری که راه را برای دستیابی یک کشور به قدرت نرم و تبدیل آن به مرکز توجه دیگر کشورها هموار می‌کند، سیستم سیاسی است که آزادی‌ها را در اولویت قرار می‌دهد، حقوق اساسی را تضمین می‌کند، و نیز شفاف و دموکراتیک است. از این منظر، یکی از پایه‌های اصلی قدرت نرم ترکیه تجربه دموکراتیک این کشور است. وی همچنین بر آن است که علیرغم فراز و فرودها در تاریخ ترکیه، تقویت دموکراسی در این کشور و کسب مشروعیت عمومی نقش مهمی در تقویت موقعیت ترکیه به عنوان بازیگر منطقه‌ای و

جهانی ایفا کرده است. برای مثال، تحولات کشورهای منطقه که با شورش‌های مردمی در مصر و تونس در ابتدای سال ۲۰۱۱ آغاز شد، تجربه دموکراتیک ترکیه را در خاورمیانه برجسته کرد. تلاش‌ها در جهت دموکراسی‌سازی در ترکیه و دستیابی به توسعه اقتصادی، الهام‌بخش جنبش‌های سیاسی و اجتماعی نوظهور در جهان عرب بوده‌اند (Kalin, 2011:9).

علاوه بر دموکراسی، رفاه مادی رو به افزایش ترکیه و رشد اقتصادی این کشور در دهه گذشته، شرایط داخلی مطلوبی را برای پذیرش نقش سیاست خارجی مدنی به وجود آورد. در سال‌های ابتدایی دهه گذشته، ترکیه به سرعت از تأثیرات منفی بحران اقتصادی سال ۲۰۰۱ خارج شد و به یک نرخ رشد ثابت در اقتصاد دست پیدا کرد. این کشور همچنین از بحران مالی سال ۲۰۰۸ با حداقل آسیب عبور کرد. شرایط سیستمیک موجود نیز به افزایش رشد نسبی اقتصاد ترکیه هم در محیط داخلی و هم در بستر جهانی منجر شد. از این جهت، ترکیه امتیاز دسترسی به محیط بین‌الملل، که در آن حوزه‌های عمل جدید برای قدرت‌های نوظهور در سیستم جهانی گشوده شده بود، را به دست آورد (Oguz Gok and Parlar, 2016:77).

از زمانی که عوامل اقتصادی جایگاه مهمی در سیاست‌گذاری خارجی در ترکیه پیدا کردند، ابزارهای اقتصادی مختلفی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این کشور علاوه بر افزایش حجم سرمایه‌گذاری و پروژه‌های ساخت‌وساز در مناطق و کشورهای مختلف، برنامه حذف روادید را به منظور ایجاد رژیم‌های تجارت آزاد دنبال کرده است. بعد دیگر فعالیت‌های اقتصادی ترکیه در روابط بین‌الملل گشایش بازارهای جدید و رای بازار کشورهای غربی و پیرامونی آن است. ترکیه کمپین‌های جدیدی را به منظور افزایش روابط اقتصادی و تجاری با آفریقا، آمریکای لاتین و شرق آسیا طرح کرده است. در شرایط سیستمیک و داخلی مطلوب، فعالیت‌ها در حوزه همکاری‌های توسعه‌ای نیز به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای سیاست خارجی مدنی به منظور تسهیل مشارکت ترکیه در مناطق مختلف مورد توجه قرار گرفته است (Oguz Gok and Parlar, 2016: 81).

علاوه بر موارد فوق، نفوذ بازیگران غیردولتی در سیاست خارجی ترکیه در دهه گذشته افزایش یافت. با توجه به اینکه اصل کلی داوود اوغلو حمایت از مشارکت جامعه مدنی در سیاست خارجی بوده است، این اصل نقش آفرینی سازمان‌های مردم‌نهاد، تجار و شخصیت‌های اندیشمند در سیاست خارجی را افزایش داده است. به همین خاطر ترکیه دیپلماسی چند مسیره را به منظور تعقیب سیاست خارجی فعال‌تر در پیش گرفت. داوود اوغلو به دنبال مشارکت بازیگران غیردولتی در یک استراتژی سیاست خارجی واحد و به منظور دستیابی به اهداف بین‌المللی مشترک بود. با این تحول بزرگ در سیاست خارجی، ترکیه بیشتر به خاطر فعالیت‌های این بازیگران غیردولتی دیده شد. در اصل، بازیگران غیردولتی در ترکیه ابزارهای آموزشی، انسان‌دوستانه و اقتصادی را بکار بردند. این سیاست عملی کلی در آفریقای زیر صحرا که صدها گروه مدنی ترک در آن در حال فعالیت هستند، مشهود است (Addow, 2015:18).

تعهدات هنجاری: در خلال دهه اول قرن بیست و یکم، سیاست خارجی ترکیه به نرمی به سوی یک رویکرد مدنی حرکت کرد. در سال‌های ابتدایی این قرن، این مسیر در سیاست خارجی ترکیه به‌عنوان بخشی از فرآیند اروپایی شدن ترکیه و به‌عنوان نتایج آن مطرح می‌شد. اما زمانی که سرعت اروپایی شدن ترکیه پس از سال ۲۰۰۶، به دلیل قطع مذاکرات با آنکارا از ناحیه اتحادیه اروپا که ناشی از دلایل سیاسی بود، رو به کاهش نهاد، گرایش مدنی در سیاست خارجی ترکیه یک شکل جدید مبتنی بر تعهدات جهانی و نه صرفاً اروپایی به خود گرفت. انتقاد ترکیه از رویکرد بحث‌برانگیز اتحادیه اروپا نسبت به کودتای نظامی مصر در سال ۲۰۱۳ نشانه‌ای روشن مبنی بر تفاوت وجودی بین فهم ترکیه از جهان‌گرایی در مقایسه با اتحادیه اروپا بود (Oguz Gok and Parlar, 2016: 78).

در راستای جهان‌گرایی شکل گرفته در سیاست خارجی ترکیه، این کشور نه تنها مدافع ارزش‌های جهانی از قبیل حقوق بشر، دموکراسی، حکومت قانون، توسعه و حکومت مطلوب شد، بلکه همچنین تمایل خود به افزایش کمک به مردمی که به پا

می‌خیزند و خواهان چنین ارزش‌هایی هستند را نشان داد. دستور کار سیاست خارجی داوود اوغلو دربرگیرنده ابزارهای سیاست خارجی مدنی از قبیل میانجی‌گری، تجارت، همکاری‌های توسعه‌ای، و کمک‌های بشردوستانه بود. در زمان تصدی داوود اوغلو در وزارت خارجه، دیپلماسی بشردوستانه نیز به‌عنوان هدف جدید سیاست خارجی ترکیه تنظیم شد. در عمل، ترکیه صدای طرفدار فلسطینی‌ها و سوری‌ها در منطقه بود. این کشور همچنین به‌عنوان یک نیروی اصلی در زمینه مسائل مربوط به کمبود توسعه جهانی به‌طور کلی و رنجهای بشردوستانه در آفریقا به‌طور خاص ظاهر شده است (Addow, 2015:14).

بنابراین، رویکرد جدید سیاست خارجی ترکیه به بهبود و گسترش قدرت مثبت و نفوذ این کشور در حوزه بین‌الملل کمک کرده است. ترکیه، با استفاده از رشد سریع اقتصادی خود تلاش کرد با اعطای کمک و حمایت از کشورهای کمتر توسعه یافته و توسعه نیافته، چهره مثبتی از خود نزد دیگران ارائه کند. ترکیه همچنانکه مفید بودن این سیاست را قدر می‌دانست، در روابط خارجی خود پیوندهای منطقه‌ای چندگانه‌ای را نیز آغاز کرده و منافع خود را در مناطق مختلف از جمله خاورمیانه، بالکان و قفقاز گسترش داد. دیدار نخست وزیر ترکیه از آفریقای جنوبی و اتیوپی در سال ۲۰۰۵ را نیز در جهت نفوذ ترکیه در آفریقا به‌عنوان بخشی از سیاست چندجانبه‌گرایانه آن ارزیابی می‌کنند (Ibid).

ابزارهای اعمال قدرت: در این سال‌ها دولت ترکیه بکارگیری ابزارهای قدرت مدنی را شیوه پایدارتری برای تحقق اهداف سیاست خارجی خود در نظر گرفت. با توجه به میانجی‌گری به‌عنوان یک ابزار دیپلماتیک، ترکیه در دهه گذشته در مأموریت‌های میانجی‌گرایانه مختلفی در منطقه از جمله منازعه اعراب و اسرائیل و برنامه هسته‌ای ایران شرکت کرد. تعداد رو به افزایش این ابتکارات نیز نشان‌دهنده تمایل ترکیه به پذیرش نقش مدنی در سیاست خارجی از طریق ابزارهای مدنی و استفاده از سیستم‌های چندجانبه از قبیل سازمان ملل است.

در حوزه همکاری‌های توسعه‌ای، ترکیه در تلاش برای کانالیزه کردن منابع خود در مسیر توسعه جهانی در کشورهای که تحت تأثیر منازعات و بلایای طبیعی قرار گرفته‌اند، بوده است. در خلال دهه اول قرن بیست و یکم کمک ترکیه به کشورهای گرفتار منازعه به نظر می‌رسد از مأموریت نظامی به کمک‌های مدنی در جهت ظرفیت‌سازی سوق پیدا کرد. در بیشتر سال‌های دهه ۱۹۹۰، ترکیه نیروهای نظامی بسیاری را برای شرکت در مأموریت‌های حفظ صلح در کشورهای مختلف از جمله بوسنی و هرزگوین و سومالی مستقر کرد. در حالی که امروز اگرچه ترکیه همچنان در این مکان‌ها فعال است اما ماهیت کمک‌های آن به نظر می‌رسد بیشتر مدنی است تا نظامی. بنابراین، با اشاره به تلاش‌های ترکیه در راستای همکاری‌های توسعه‌ای، ابتکارات این کشور در حوزه ظرفیت‌سازی مدنی به طور روزافزون به‌عنوان ابزارهای مفید در جهت دستیابی به اولویت‌های کلیدی سیاست خارجی ترکیه مورد استفاده قرار گرفته است (Oguz Gok and Parlar, 2016:80)

ترکیه همچنین در حوزه کمک‌های بشردوستانه پیش‌تاز بوده است. در سال ۲۰۱۷ ترکیه دومین کشور اهداکننده کمک‌های بشردوستانه نسبت به تولید ناخالص این کشور بوده است. براساس گزارش سازمان ابتکارات توسعه‌ای در انگلستان، ترکیه ۶ میلیارد دلار کمک‌های بشردوستانه در سال ۲۰۱۶ ارائه کرده است که پس از ایالات متحده آن را در رده دوم قرار داده است (https://www.dailysabah.com, 2017). سازمان همکاری و هماهنگی ترکیه^۱ در این زمینه بسیار فعال بوده و در واقع هدایت کمک‌های بشردوستانه در مناطق مختلف را بر عهده دارد. این نهاد دولتی با افتتاح دفاتری در کشورهای هدف به ارائه خدمات آموزشی، پزشکی و کشاورزی می‌پردازد. بخش خصوصی ترکیه و در واقع سازمان‌های مردم‌نهاد این کشور از جمله کنفدراسیون تجار و صنعتگران ترکیه^۲ وابسته به جنبش گولن و مؤسسه حقوق و آزادی‌های بشری و

¹ Turkish Cooperation and Coordination Agency(TIKA)

² Turkish Confederation of Businessmen and Industrialists(TUSKON)

کمک‌های بشردوستانه^۱ نیز در کنار نهادهای دولتی به ارائه کمک‌های بشردوستانه می‌پردازند.

به‌طور کلی، ابتکارات ترکیه در جهت ایجاد یک سیاست خارجی فعال نیروی محرکی برای تغییر از یک کشور دریافت‌کننده کمک به یک بازیگر پویا و فعال در جامعه کشورهای ارائه دهنده کمک در عرصه بین‌المللی است. زمانی که حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ به قدرت رسید وزارت خارجه ترکیه شروع به ایجاد یک سیاست خارجی استراتژیک، چندوجهی و بشردوستانه در راستای هدف احیا و یا حفظ صلح و امنیت به‌خصوص در همسایگی ترکیه کرد و در جهت گسترش این سیاست‌ها ترکیه خود را در جایگاه یک بازیگر پیشرو در ایجاد ثبات و توسعه قرار داد. (Murphy and Sazak, 2012:2)

قدرت مدنی ترکیه در آفریقا

یکی از مهم‌ترین اصول نظریه عمق راهبردی داوود اوغلو اصل تعادل بین امنیت و آزادی است. براساس این اصل ترکیه به دنبال این بوده است که از گسترش دموکراسی و آزادی در جوامع مختلف حمایت کند. در این راستا ترکیه هم تلاش کرده که خود را به عنوان یک مدل حکومت دموکراتیک معرفی کند و هم با حمایت‌های مالی و کمک‌های توسعه‌ای به دولت‌ملت‌سازی و ایجاد و تقویت نهادهای دموکراتیک کمک کند. هر دوی این سطوح ترویج دموکراسی در سیاست خارجی ترکیه در آفریقا مشهود است. ترکیه تلاش کرد در کشورهای آفریقایی، به‌خصوص پس از وقوع انقلاب‌های مردمی در کشورهای شمال آفریقا، مدل حکومت‌داری خود را به عنوان یک مدل مطلوب و الگو معرفی کند. همچنین، ترکیه با ارائه کمک‌های توسعه‌ای از طریق آژانس همکاری و هماهنگی ترکیه به کشورهای آفریقایی در جهت ایجاد نهادهای دموکراتیک و تقویت جامعه مدنی آفریقا کمک کرده است.

¹Foundation for Human Rights and Freedoms and Humanitarian Relief (IHH)

در حوزه اقتصاد سیاسی بین‌الملل و تجارت خارجی نیز ترکیه در این دوره از ظرفیت‌های بزرگ اقتصادی برخوردار بود که از دیپلماسی اقتصادی ترکیه در آفریقا پشتیبانی می‌کرد. براساس گزارش بانک جهانی ترکیه از سال ۲۰۰۰ عملکرد قابل توجهی در حوزه اقتصاد داشت. اقتصاد کلان ترکیه و ثبات مالی این کشور در مرکز توجه سیاست‌های دولت ترکیه بود و دولت را قادر به افزایش اشتغال و درآمد و تبدیل ترکیه به یک کشور با درآمد متوسط ساخت. در خلال این دوره ترکیه درهای خود را بر روی تجارت خارجی گشود و بسیاری از قوانین و مقررات خود را با استانداردهای اتحادیه اروپا هماهنگ کرد. همچنین، ترکیه به خوبی اقتصاد خود را پس از بحران جهانی سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ بهبود بخشید. بر این اساس، در این دوره یک رابطه متقابل میان سیاست خارجی و رویکرد اقتصادی ترکیه شکل گرفت. از یک سو سیاست خارجی ترکیه در خدمت کسب بازار برای تولیدات ترکیه بود و از سوی دیگر اقتصاد رو به رشد ترکیه با ظرفیت بالای خود در پیشبرد اهداف سیاست خارجی ترکیه از جمله در آفریقا تأثیرگذار بود (www.worldbank.org, 2017).

در حوزه آفریقا، ترکیه با شعار خود مبنی بر "تجارت عادلانه از طریق بازار آزاد" علاوه بر کسب منافع حاصل از تجارت با این قاره، نشان داد که یکی از مناسب‌ترین کشورها برای شکست دور باطل فقر در آفریقا و ایجاد روابط اقتصادی و بازرگانی این قاره با اقتصاد جهانی است. در این میان، مجاورت جغرافیایی ترکیه با آفریقا و روابط تاریخی ترکیه با این قاره در جهت توسعه روابط اقتصادی و تجاری آنها کمک‌کننده بوده است (Kizilarsalan: 19).

علاوه بر این، نقش جوامع مدنی ترکیه در پیشبرد اهداف سیاست خارجی این کشور در آفریقا قابل توجه است. شاید برای اولین بار در دوران جمهوری ترکیه، سازمان‌های جامعه مدنی نه تنها به دولت کمک کردند، بلکه مهمتر از آن سیاست تحت حمایت دولت را ترویج کردند. این موضوع در سیاست خارجی ترکیه، بیش از هر حوزه دیگری در رابطه با آفریقا صدق می‌کند. انجمن‌های تجاری محافظه‌کار مانند "کنفدراسیون

تجار و صنعتگران ترکیه^۱ و نهادهای بین‌المللی کمک‌کننده مانند "مؤسسه حقوق و آزادی‌های بشری و کمک‌های بشردوستانه"^۲ راه را برای شتاب بخشیدن به روابط ترکیه با قاره آفریقا هموار کرده‌اند و این نمونه‌ای از منافع همگرا میان دولت و جامعه مدنی است (Ozkan and Akgun, 2010: 539).

مؤسسه IHH فعالیت‌های وسیع و پیچیده‌ای در این زمینه دارد. در میان اولویت‌های این مؤسسه، کمپین‌ها و کمک‌های بشردوستانه با هدف توسعه فرهنگی و آموزشی وجود دارد. این نهاد تلاش می‌کند به صورت داوطلبانه هرکس که از بیماری یا فقر رنج می‌برد را مورد حمایت خود قرار دهد. در فعالیت‌های مربوط به آفریقای این مؤسسه مذهب نقش برجسته‌ای را بازی می‌کند. هدف این نهاد تنها توزیع غذا نیست، بلکه تسهیل فراگیری قرآن کریم برای مردم تحت حمایت و نیز ارائه کمک‌های مالی بخشی از فعالیت‌های آن را شکل می‌دهد. برای نمونه طی دوره ماه مبارک رمضان این نهاد شروع به جمع‌آوری کمک‌های مالی نقدی و غذایی برای هزاران نفر از مردم رنج دیده سراسر قاره سیاه می‌کند (Benesoy and Olah, 2012: 145-146). علاوه بر این، IHH در ۴۳ کشور آفریقایی، به هزاران نفر برای بدست آوردن بینایی خود در پروژه درمان آب مروارید که در بیمارستان‌های سودان و کشورهای دیگر انجام شد، کمک کرده است. همچنین، این نهاد از انجام پروژه‌های حفاری چاه‌های آب، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از طریق راه اندازی مدارس و تأسیس بیمارستان‌ها حمایت می‌کند (Ozkan, 2013:46).

آفریقا هدف فعالیت جنبش گولن نیز قرار گرفته است. پیروان گولن در صف اول دیپلماسی عمومی ترکیه بوده‌اند. فعالیت و موفقیت جنبش گولن در قاره آفریقا به نوعی الهام بخش آنکارا در بازگشت به آفریقا شد. به‌علاوه پیش از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، گولنیست‌ها مدرسی را در آفریقا با مدل و استراتژی مشابه با مناطق دیگر افتتاح کردند. انجمن‌های گولن اکنون نزدیک به ۴۰ مدرسه را در سراسر آفریقا در

¹Turkish Confederation of Businessmen and Industrialists (TUKSON)

²Foundation for Human Rights and Freedoms and Humanitarian Relief (IHH)

هر دو ناحیه فرانسوی و انگلیسی زبان اداره می‌کنند. همانند برنامه‌های آموزشی‌شان در مناطق دیگر، مدارس گولن بر فراهم آوردن یک آموزش عالی مدرن شامل آموزش زبان‌های خارجی و علوم جدید، بدون کوچک‌ترین محتوای دینی متمرکز شدند. آنها همچنین در راستای افزایش موفقیت خود، یک دانشگاه وابسته به جنبش گولن در کنیا افتتاح کردند (Balcy, 2014).

به هرحال، شبکه وابسته به جنبش گولن زمانی یکی از ابزارهای قدرت نرم ترکیه در آفریقا بود. اردوغان به کمک این جنبش برای گسترش نفوذ فرهنگی ترکیه در آفریقا چشم دوخته بود. اما بروز اختلافات بر سر مسائل داخلی منجر به ایجاد تنش میان این دو متحد سابق شد. اردوغان گولن را به ایجاد دولت موازی از طریق پیروانش در میان نیروهای پلیس، دادگاه‌ها، رسانه‌ها و تجار متهم کرد. این اختلافات زمانی عمیق‌تر شد که اردوغان به دنبال وقوع کودتا در سال ۲۰۱۶، گولن را مسئول اصلی آن معرفی کرد. پیرو این اختلافات اردوغان از دولت‌های آفریقایی درخواست کرد مدارس وابسته به گولن را تعطیل و کلیه فعالیت‌های مربوط به این جنبش را به حالت تعلیق درآورند. (<http://www.dw.com>, 2017)

میزبانی آنکارا از سازمان ملل و دیگر نهادهای بین‌المللی در قالب کنفرانس نیز بخشی از دیپلماسی نرم ترکیه در آفریقا محسوب می‌شود. در واقع، میزبانی از کنفرانس‌های سازمان‌های بین‌المللی به تحکیم روابط آنکارا با سازمان‌های منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای آفریقا و ایجاد تصویر مثبت از ترکیه در میان مردم آفریقا کمک می‌کند. سازمان‌های منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای آفریقا نیز سازمان‌هایی هستند که از طریق آنها بسیاری از ابتکارات سیاسی کانالیزه می‌شوند. به‌علاوه، سازمان‌دهی نشست‌ها و ملاقات‌های تجاری تجار ترکیه‌ای با هم‌تایان آفریقایی آنها عنصر اصلی دیپلماسی نرم ترکیه در میان جوامع تجاری آفریقا است (Dodo, 2016: 63).

در این راستا، در سال ۲۰۱۰ ترکیه به همراه مصر یک کنفرانس بین‌المللی برای بازسازی و توسعه دارفور که تحت نظر سازمان همکاری‌های اسلامی برگزار شد، را

ریاست کرد و وعده پرداخت ۶۵-۷۰ میلیون دلار کمک‌های بشردوستانه را داد. به‌علاوه، ترکیه یک میلیون دلار به منظور کمک‌های بشردوستانه به مأموریت اتحادیه آفریقا در سومالی اختصاص داد و همچنین شش میلیون و سیصد و هفتاد و پنج هزار دلار بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ تحت عنوان کمک‌های بشردوستانه به کومور، چاد، جمهوری دموکراتیک کنگو، جیبوتی، اتیوپی، کنیا، ماداگاسکار، مالاوی، مالی، نیجر، سومالی و اوگاندا پرداخت کرد (Ipek, 2014: 419).

ترکیه در نشست‌های مختلفی که با کشورهای آفریقایی داشته است و نیز اسناد و موافقتنامه‌های حاصل از این نشست‌ها به موضوع همکاری‌های منطقه‌ای با سازمان‌های اقتصادی آفریقایی توجه خاصی نشان داده است. به دنبال برگزاری اولین نشست همکاری‌های ترکیه-آفریقا در سال ۲۰۰۸، همکاری‌های ترکیه با اتحادیه آفریقا و نیز نهادهای منطقه‌ای آن افزایش یافت. ترکیه وضعیت ناظر را در اتحادیه آفریقا (۲۰۰۵) به دست آورد و به عنوان یک عضو غیرمنطقه‌ای بانک توسعه آفریقا (۲۰۰۵) پذیرفته شد. سفارت ترکیه در ابوجا آکردیته جامعه اقتصادی دولت‌های غرب آفریقا است. ترکیه همچنین عضو انجمن توسعه همکاری‌های بین دولتی (IGAD)^۱ نیز (۲۰۰۸) هست. ترکیه به عنوان شریک استراتژیک در نشست اتحادیه آفریقا در سال ۲۰۰۸ در آدیس‌آبابا، پذیرفته شد. نشست همکاری‌های ترکیه - آفریقا نیز با "اعلامیه استانبول" و "سند چارچوب همکاری ترکیه-آفریقا" با تأکید بر نقش حیاتی تجارت و سرمایه‌گذاری برای توسعه آفریقا به پایان رسید. به‌علاوه، سفارت ترکیه در دارالسلام آکردیته جامعه اقتصادی شرق آفریقا (۲۰۱۰) شد (Genc and Tekin, 2014: 94-95). ترکیه از سال ۲۰۰۹ کمک‌های مالی به ارزش یک میلیون دلار به اتحادیه آفریقا پرداخت کرده است. همچنین به سازمان‌های منطقه‌ای در زمان نیاز کمک کرده است (www.mfa.gov.tr, 2016) اما یکی از مهم‌ترین ابزارهای قدرت مدنی ترکیه به طور کلی و در آفریقا به طور خاص همکاری‌های توسعه‌ای است که جزء ضروری و اجتناب ناپذیر سیاست خارجی

^۱. Intergovernmental Authority on Development

مدنی ترکیه در دهه پیش بوده است. برنامه‌های ظرفیت‌سازی مدنی تحت عنوان همکاری‌های توسعه‌ای، از قبیل تقویت زیرساخت‌ها و تشویق مشارکت جامعه مدنی در مرکز تلاش‌های ترکیه در راستای همکاری‌های توسعه‌ای در آفریقا و به طور خاص در سومالی قرار دارد. تمرکز بر ظرفیت‌سازی مدنی نشان‌دهنده افزایش استفاده از نقش قدرت مدنی و ابزارهای سیاست خارجی مدنی نسبت به سومالی است. براساس گزارش TIKA از سومالی، این نهاد بسیاری از پروژه‌ها را در حوزه‌هایی مانند آموزش، زیرساخت‌ها، سلامت و کشاورزی در سومالی اجرا کرده است. از این جهت، روابط ترکیه و آفریقا از سال ۲۰۱۱ وارد دور جدیدی شده است که نشان‌دهنده همدردی شدید مردم و حزب حاکم و نیز سازمان‌های مردم‌نهاد با آفریقا است. به‌علاوه، سیاست ترکیه در قبال سومالی نه تنها این کشور را تبدیل به یک بازیگر سیاسی در آفریقا کرده است بلکه آن را پیچیده‌تر و چندوجهی‌تر کرده است (Oguz Gok and Parlar, 2016:85)

سازمان همکاری و هماهنگی ترکیه که یک سازمان دولتی و رسمی در حوزه ارائه کمک‌های توسعه‌ای و بشردوستانه است، پانزده دفتر همکاری را در آفریقا تأسیس کرده است. کمک‌های توسعه‌ای رسمی ترکیه به آفریقا در مجموع در سال ۲۰۰۸ رقم ۵۲ میلیون دلار بود که در سال ۲۰۱۳ به ۷۸۳ میلیون دلار رسید که در واقع یک سوم جمع کمک‌های توسعه‌ای این کشور در جهان است. اما ۵۹۲ میلیون دلار از این مبلغ به شمال آفریقا و عمدتاً مصر و تونس و کمتر از ۲۰۰ میلیون دلار آن به آفریقای زیرصحرای اختصاص پیدا کرد که در برگیرنده پروژه‌هایی مانند بیمارستان‌های آموزشی در سودان و سومالی بود (Shinn, 2016: 4). البته باید اشاره کرد که سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد ترکیه، از جمله بنیاد حقوق و آزادی‌های بشر و کمک‌های انسانی که فعالیت خود را از سال ۱۹۹۶ در آفریقا آغاز کرده است، پیش از این در قاره آفریقا حضور و فعالیت داشته‌اند. حوزه‌های اصلی همکاری‌های توسعه‌ای در آفریقا شامل کشاورزی، بهداشت، آموزش، آب و فاضلاب، آموزش فنی و حرفه‌ای، توسعه نهادی و کمک‌های بشردوستانه است. برنامه توسعه کشاورزی آفریقا، برنامه بهداشت آفریقا،

برنامه آموزش فنی و حرفه‌ای آفریقا همگی برنامه‌های مناسب برای پاسخ دادن به نیازهای خاص آفریقا هستند. در کنار فعالیتهای مربوط به ظرفیت‌سازی، ترکیه از طریق TIKA پروژه‌های بسیاری در جهت ایجاد زیرساخت‌های روانی برای ارائه خدمات اجتماعی از قبیل ساخت مدرسه و بیمارستان برعهده گرفته است (www.mfa.gov.tr, 2016).

اما بزرگترین تفاوت ترکیه با سایر کشورها در زمینه ارائه کمک‌های توسعه‌ای و بشردوستانه در نگاه و انگیزه آن است. از دید عبدی آینت مدیراجرایی موسسه هریتیج در موگادیشو، ترکیه به عنوان یک شریک قابل اعتماد در سومالی شناخته شده است. به اعتقاد وی ترکیه بر روی ثبات در سومالی سرمایه‌گذاری می‌کند، در حالی که دیگر کشورها منتظر ایجاد ثبات در سومالی و سپس سرمایه‌گذاری در آن هستند. وی در مورد چگونگی تأثیرگذاری کمک‌های کوچک در ایجاد تفاوت‌های بزرگ در کشوری مانند سومالی اظهار داشت که تنها ۵۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری تأثیرات بسیار مهمی در کاهش بحران انسانی و توسعه در این کشور دارد (Ozdemir, 2015).

در نهایت، در حوزه مشارکت و حضور در حل و فصل منازعات در آفریقا، ترکیه نقش فعالی در برجسته کردن موضوع سومالی داشته است. علاوه بر این که ترکیه تلاش کرده تا در مجامع و نشست‌های بین‌المللی مصائب مردم سومالی را طرح و توجه جامعه بین‌المللی را به آن جلب کند، از سال ۲۰۱۱ و پس از سفر اردوغان به این کشور که در واقع اولین سفر یک مقام بلندپایه خارجی به این کشور بود، مستقیماً و در قالب طرح‌های مختلف به این کشور کمک رسانی کرده است (Ipek, 2014:419).

در کنار کمک‌های مالی، ترکیه در حل منازعات داخلی و بین دولتی در آفریقا پیشگام بوده و هم به عنوان میانجی و هم در قالب مأموریت‌های حفظ صلح سازمان ملل در حل بحران‌های دولت‌های آفریقایی نقش آفرینی کرده است. در این زمینه ترکیه در نه عملیات حفظ صلح سازمان ملل از سال ۲۰۰۸ شرکت داشته است. ۱۷ افسر برای مأموریت سازمان ملل در ساحل عاج (UNOC)، ۱۵ واحد پلیس برای مأموریت سازمان

ملل در جمهوری دموکراتیک کنگو (MONUC)، ۲۷ واحد پلیس در مأموریت سازمان ملل در لیبریا (UNMIL)، ۲۷ واحد پلیس در مأموریت سازمان ملل در سودان (UNMIS)، ۳ واحد پلیس در مأموریت جمهوری آفریقای مرکزی و چاد (MINURCAT)، ۱۱ واحد پلیس در مأموریت سازمان ملل در دارفور (UNAMID)، و ۱۲ افسر هم در مأموریت سازمان ملل در سودان جنوبی منصوب شدند (Asiedu, 2016: 3).

همچنین، ترکیه آموزش نظامی برای آفریقایی‌ها را افزایش داده است. از پایان سال ۲۰۱۴ ترکیه امکان آموزش‌های نظامی برای ۲۲۰۰ نفر از آفریقا را در ترکیه فراهم کرده است.

برای دوره زمانی ۲۰۱۶-۲۰۱۵ ترکیه برای دریافت حدود ۱۲۵۰ نیروی نظامی آفریقایی برای آموزش برنامه ریزی کرد. نیروی دریایی ترکیه نیز با ۲۸ بازدید از بندرهای کشورهای آفریقایی در نیمه اول سال ۲۰۱۴ فعال بوده است. همچنین، از سال ۲۰۰۹ ناوچه‌هایی را برای کمک به نیروهای مشترک چند ملیتی تحت هدایت آمریکا برای مقابله با دزدان دریایی در خلیج عدن اعزام کرده است.

بنابراین اصل دیپلماسی متوازن یا ریتمیک که یکی از اصول پنج‌گانه نظریه عمق راهبردی داوود اوغلو است در قالب حضور فعال در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مرتبط با آفریقا و ایفای نقش فعال در موضوعات مبتلا به آفریقا در حوزه صلح و امنیت و توسعه و پیشرفت جنبه عملی پیدا کرد.

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی ترکیه در دهه گذشته نشان‌دهنده تمایل این کشور به تغییر رویکرد خود به حوزه نرم و قدرت مدنی بوده است. در واقع، ترکیه در راستای دستیابی به اهداف خود شامل توسعه اقتصادی، احیای فرهنگ و هویت تاریخی و در نهایت کسب موقعیت بهتر در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی به‌گونه‌ای عمل کرد که نقش عناصر

قدرت نرم بیش از قدرت سخت به چشم می‌خورد. در تطبیق با سه شرط هانس مائول برای نقش سیاست خارجی مدنی ترکیه در دهه گذشته تلاش کرد شرایط داخلی مناسبی را برای خود فراهم کند. در واقع، در جهت فشار افکار عمومی در داخل و عضویت در اتحادیه اروپا ترکیه به سمت ایجاد یک سیستم سیاسی دموکراتیک مبتنی بر نقش جامعه مدنی پیش رفت. همچنین، با انجام اصلاحات اقتصادی و باز کردن اقتصاد خود بر روی چشم‌اندازهای جهانی توانست از رشد و توسعه اقتصادی مناسبی بهره‌مند باشد.

این تغییرات داخلی بر پیگیری سیاست‌های نرم در عرصه سیاست خارجی بسیار تأثیرگذار بود و ترکیه را تبدیل به کشوری کرد که تلاش می‌کند در مسیر ترویج دموکراسی، تقویت جوامع مدنی و کمک به توسعه کشورهای جهان سوم و ضعیف در مناطق مختلف از جمله در قاره آفریقا گام بردارد. این رویکرد به نوعی برآورنده پیش‌شرط دوم یعنی تعهد نسبت به نرم‌ها و هنجارهای جهانی در شرایط حاکم در دوره خود است. در این مسیر ترکیه تلاش کرد از طریق برقراری روابط مردم با مردم و با کمک جامعه مدنی ترکیه خود را الگوی دموکراسی و توسعه سیاسی برای کشورهای آفریقایی معرفی کند و از طرف دیگر با اعطای کمک‌های توسعه‌ای و بشردوستانه که به نوع و میزان آن اشاره شد، به رشد اقتصادی و کاهش مشکلات مبتلا به آفریقا کمک کند. همچنین، ترکیه با استفاده از ابزارهایی چون دیپلماسی، برقراری روابط تجاری با آفریقا، ارائه کمک‌های توسعه‌ای و بشردوستانه از طریق نهادهای دولتی و غیردولتی و نیز حضور فعال در حل و فصل منازعات و کمک به انجام مأموریت‌های حفظ صلح سازمان ملل و اتحادیه اروپا به نوعی سومین شرط مورد نظر هانس مائول برای قدرت مدنی بودن را برآورده کرد. هرچند ترکیه در این مسیر با محدودیت‌ها و مشکلاتی مواجه شده است. از جمله اینکه ظرفیت اقتصادی آن طی چندسال اخیر کاهش یافته است و همین‌طور نوع عملکرد دولت ترکیه در این سال‌ها چهره آن به عنوان یک قدرت

مدنی را قدری مخدوش ساخته است، اما همچنان باید این کشور را در عرصه آفریقا پایبند به نقش قدرت مدنی خود در نظر گرفت.

منابع

۱. داوود اوغلو، احمد (۱۳۹۱)، **عمق راهبردی: موقعیت ترکیه در صحنه بین‌الملل**، ترجمه محمد حسین نوحی نژاد ممقانی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۲. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و شیرغلامی، خلیل (۱۳۹۳)، بررسی سیاست اتحادیه اروپایی در قبال بلاروس از منظر هنجارگرایی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۸، زمستان ۱۳۹۳.
۳. طباطبایی، سید محمد و فضلی خانی، اکرم (۱۳۹۲)، **سیاست خارجی ترکیه در قبال بیداری اسلامی در جهان عرب**، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۷، شماره ۲۵، بهار ۱۳۹۳، صص ۲۲۴-۱۸۵.
۴. عطایی، فرهاد و شکاری، حسن و عزیزی، حمیدرضا، **سیاست خارجی دولت عدالت و توسعه ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی**، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۳۶، تابستان ۱۳۹۱، صص ۷۳-۶۶.
5. (2013), **Turkey's Religious and Socio-Political Depth in Africa**, available at: <https://www.researchgate.net/publication/220048130>
6. (2014), **Turkey's Religious Diplomacy**, Arab World Geographer.
7. Asiedu, Micheal (2016), **Turkey As A Development Partner In Africa**, Global Political Trends center, No 44.
8. Balcy, Bayram (2014), **The Gulen Movement And Turkish Soft Power**, available from: <http://carnegieendowment.org/2014/02/04/>
9. Besenyó, Janos and Peter Olah (2012), **One of the new competitors in Africa: Turkey**, AARMS, Vol. 11, No. 1.
10. Dado sar, Makha, **Review Of Regional Integration In Africa And External Partnership**, available at: <http://www.tasam.org/Files/Icerik/File/6e88f03a-0bef-4f13-8dfe-56e8f4c194eb.pdf>.

11. Enwer, Chigozie and Mesut Yilmaz (2014), **Turkey's Strategic Economic Relations with Africa: Trends and Challenges**, Journal of Economics and Political Economy, Vol 1, Issue 2.
12. Gonzalez, Ariel and Huseyin Zengin (2016), **A Decade Of Opening**, Inici, Vol. 3, No 2
13. Ipek, Volkan (2014), **The 2011 Landing Of Turkey On Somalia**, European Scientific Journal.
14. Murphy, Teri and Onur Sazak (2012), **Turkey's Civilian Capacity in post-Conflict Reconstruction**, Istanbul Policy Center, Sabancı University
15. Oguz Gok, Gonca and Emel Parlar Dal (2016), **Understanding Turkey's Emerging "Civilian" Foreign Policy Role in the 2000s through Development Cooperation in the Africa Region**, Journal of International Affairs, Center for Strategic Research, Autumn-Winter 2016, Volume XXI, Number 3-4, pp. 67-100.
16. Onder, Nilgun (2008), **The Turkish Project of Globalization and New Regionalism**, Turkish Journal of International Relations, Vol. 7, No. 2 & 3
17. Ozdemir, Cargi (2015), **ANALYSIS: Turkey strengthens ties in Africa**, available at: <http://www.middleeasteye.net/in-depth/features/turkeys-africa-opening-keeps-its-pace-286868208>
18. Ozer, Yonca (2012), **The European Union As a Civilian Power: The Case of The Eu's Trade Policy**, Marmara Journal of European Studies, Volume 20, No 2
19. Ozkan, Mehmet and Birol Akgun (2010), **Turkey's opening to Africa**, Journal of Modern African Studies.
20. Rudincova, Katerina (2014), **new player on the scene: turkish engagement in africa**, Bulletin of Geography. Socio-economic Series 25.
21. Sheikh Yusuf Addow, Salad (2015), **The Role of Turkish Civilian Powers in Somali State Building Process**, Master's Thesis, Department: International Relations, Sakarya University social sciences Institute
22. Shine, David (2016), **Turkey-Africa Relations 2016** available at: www.scribd.com
23. Shinn, David (2015), **Turkey's Engagement in Sub-Saharan Africa**, Research Paper, Chatham House.
24. Siradag, Abdurrahim (2015), **Benevolence or Selfishness: Understanding the Increasing Role of Turkish NGOs and Civil Society**

in Africa, Association of India SAGE Publications, available at: www.journals.sagepub.com

25. Soler i Lecha, Eduard, **The Conceptual Architecture Of Turkish Foreign Policy: An update in light of regional turbulence**, Barcelona Centre for International Affairs, documentos cidob MEDITERRÁNEO 18, June 2012

26. Smith, Karen (2005), Beyond the civilian power debate, Available at:<http://eprints.lse.ac.uk/812>

27. www.worldbank.org

28.<http://www.dw.com/en/erdogans-bid-to-close-gulen-schools-in-africa-opposed/a-19470391>

29. http://www.mfa.gov.tr/turkey_s-development-cooperation.en.mfa

30. <https://www.dailysabah.com/turkey/2017/06/21/turkey-ranks-second-in-the-world-for-humanitarian-aid-named-most-generous-donor>